

آن‌ها غلط می‌کنند در حالی که برای اصل توافق برجام پشیزی ارزش قائل نیستند ادعا کنند که مذاکرات باید از همان‌جا که با دولت قبلی ایران پیش برده‌اند پیگیری شود.

روزنامه کیهان در یادداشتی عنوان کرد؛



روزنامه کیهان در یادداشتی درخواست‌های برجامی آمریکا را محکوم کرد.

به گزارش اسپادانا خبر، در یادداشت این روزنامه آمده است:

آمریکا و غرب از دولت جدید ایران انتظار دارد زودتر به مذاکرات وین باز گردد و مذاکرات را از همان‌جا که متوقف مانده ادامه دهد. آن‌ها ادعا می‌کنند با دولت قبلی ایران درباره ۷۰ تا ۹۰ درصد مسائل به نتیجه رسیده بودند (!) این انتظار و ادعا از چند جهت مخدوش است. نخست اینکه دولت اوباما در ماه‌های پایانی خود ادعا کرد از طرف دولت پس از خود (ترامپ) هیچ تضمین و تعهدی نداده و دولت جدید، خود راسا و بر اساس منافع و مصالحی که تشخیص می‌دهد درباره برجام تصمیم می‌گیرد! به عنوان مثال وقتی آقای روحانی ۲۷ دی ۹۵ گفت «برجام، توافق دوجانبه نیست که ترامپ بگوید خوشم می‌آید یا بدم می‌آید»، به فاصله یکی دو ساعت، جاش ارنست سخنگوی کاخ سفید در دولت اوباما پاسخ داد:

«ما برای آینده توافق در دولت بعدی تضمین نداده‌ایم. اوباما بارها گفته که این دولت درخصوص آنچه دولت بعد می‌کند هیچ تضمینی نداده است. دولت بعدی بر اساس اینکه چه چیزی را در راستای منافع ملی تشخیص می‌دهد تصمیم مقتضی را در قبال توافق خواهد گرفت!»

وقتی ترامپ روی کار آمد برخلاف دولت اوباما، ظاهر و باطن رفتار آمریکا را یکی کرد. به جای تظاهر به پابندی به برجام در عین نقض‌های پیاپی آن اعلام کرد به‌طور یکطرفه از توافق خارج می‌شود و رسماً برجام را زیر پا گذاشت. دموکرات‌ها و بایدن هم اگرچه ژست منتقد رفتار ترامپ درباره توافق را می‌گرفتند اما وقتی دولت جدید آمریکا را تشکیل دادند به جای بازگشت به دوره اوباما (لغو تحریم‌ها ولو به شکل نمایشی و محدود) رویکرد بایدن را بیشتر پسندیدند. بنابراین تا دو ماه (اوایل فروردین امسال) از مذاکرات طفره رفتند پس از آن نیز در چند نوبت بر تحریم‌ها افزوده‌اند. به عبارت دیگر، دو دولت پس از اوباما در گفتار یا رفتار و یا هر دو، اذعان کرده‌اند که توافق و تعهد دولت قبل‌تر از خود در آمریکا را معتبر و محترم نمی‌شمارند. تروئیکای اروپایی هم در قول و فعل، این خباثت آمریکا را تایید کرده‌اند. با این وصف، آمریکا و تروئیکای اروپایی غلط می‌کنند در حالی که برای اصل توافق برجام (تایید شده توسط قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت) و تعهد دولت وقت آمریکا پشیزی ارزش قائل نیستند ادعا کنند که مذاکرات وین باید از همان‌جا که با دولت قبلی ایران پیش برده‌اند پیگیری شود.

ثانیا به جز شخص آقای روحانی، هیچ‌کس دیگر در دولت سابق - به‌ویژه ظریف و عراقچی به‌عنوان متولیان مذاکره - ادعا نمی‌کردند توافق نهایی شده و تنها جزئیات مختصر باقی مانده است. فقط آقای روحانی (به‌خاطر خالی بودن دستش از کمترین دستاورد قابل عرضه به مردم) مدعی توافق فرمالیته بود و گرنه حتی آقایان ظریف و عراقچی و دیگران هم اذعان داشتند که آمریکا نه حاضر به لغو ۱۵۰۰ تحریم پسابرجامی است - که در دوره شش‌ساله اجرای توافق دو برابر شده - نه راستی‌آزمایی مؤثر لغو تحریم‌ها پیش از عضویت دوباره در برجام را می‌پذیرد و نه تضمین می‌دهد که دولت فعلی یا بعدی آمریکا مجدداً مرتکب عهدشکنی نشود. در واقع آمریکا با درکی که از شخصیت خاص روحانی و تهیدستی وی داشت دنبال آن بود که بدون برآورده کردن مطالبات مشروع ایران صرفاً بتواند دوباره عضو برجام شود و به مکانیسم ماشه آن دسترسی پیدا کند.

این رفتار خدعه‌آمیز و به دور از صداقت آمریکا، طبیعتاً مورد مخالفت مجلس شورای اسلامی، «هیئت نظارت» تحت نظر شورای عالی امنیت ملی، و رهبر انقلاب قرار گرفت.

دولت آمریکا اکنون در حالی که رسماً توافق را زیر پا گذاشته و خبط و خیانتش محرز است نمی‌تواند به همراه سه دولت اروپایی دنباله‌رو برای دولت جدید ایران تعیین تکلیف کند. آمریکا همین ماه‌ها متهم است که حتی به متحدان خود هم خیانت می‌کند و مطلقاً قابل اعتماد نیست. دولت اشرف غنی در افغانستان و دولت ماکرون در فرانسه، آخرین موارد خیانت آمریکا را تجربه کرده و به صراحت اذعان کرده‌اند آمریکا قابل اعتماد نیست. اردوغان رئیس دولت ترکیه نیز طی روزهای اخیر دست‌کم دو بار اعلام کرده آمریکا قابل اعتماد نیست. بنابراین، دولت آمریکا به جای بازی با کلماتی مثل مذاکره باید قبل از هر چیز برای اعتبار نابود شده خویش به دست خودش، چاره کند تا بتواند حداقل اعتماد دولت جدید جمهوری اسلامی و ملت ایران را کسب کند. در غیر این صورت، دولت قبلی ایران، شش‌ساله پس از اجرای برجام را سرگرم مذاکرات در وین و نیویورک و پاریس و توکیو و... برای سر عقل آوردن دولت‌های اوباما و ترامپ و بایدن برای انجام رفتار مسئولانه بود اما کمترین موفقیتی به دست نیاورد. در واقع، مذاکره برای مذاکره از همان دی ماه ۹۴ که آمریکا سرگرم کارشکنی در انجام تعهدات (لغو تحریم‌ها) شد، بی‌حاصل بود اما شش سال دیگر ادامه یافت و اکنون با رسیدن به نقطه اشباع، مطلقاً جای تداوم و ارزش تکرار را ندارد.

برچسب‌ها: [برجام](#) [1]

[ایراهم رئیسی](#) [2]

[جوبایدن](#) [3]

[اصولگرایان](#) [4]